

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق

۸/۱۰/۱۳۸۸

اشکی بر گور بیگناهی کودکان

"نرنگ" ولایت کنر

زبانی تازه

نه خورشید آمد و نه کوکب آمد
شب آمد هی شب آمد هی شب آمد
خموشی را زبانی تازه باید
ازین وحشیگری جان بر لب آمد

مادری گفت:

خشونت سمت و سوی تازه دارد
صداهائی بلند آوازه دارد
به روی نعش طفلی مادری گفت
وطن در دارد و دروازه دارد

به پرسیدن نیرزد

وطن چون من به یک ارزن نیرزد
به خاری پیش شان گلشن نیرزد
شنیدم میزبان را گفت مهمان
کسی اینجا به پرسیدن نیرزد

مشت خالی

به جز از مشت خالی شعاری
ندارد کس ازینان انتظاری
نبینی پشتکاری را ز سویی
که هرکس رفته اینجا پشت کاری

رهگشایان

گروهی ساکنان ناز ارگند
گروهی لایق هر لحظه مرگند
به جان غنچه های گلشن من
گروهی رهگشایان تگرگند

مرگِ سوسمار

کجا ما و کجا فصل بهاری
نمی خیزد ازین گلشن بخاری
به مرگِ کودکم خندد همانی
که خون گرید به مرگِ سوسماری

نعل فردا

مپنداری به باطل گریه کردم
برای مکتبِ دل گریه کردم
به روی نعل فردهای میهن
به آسانی چه مشکل گریه کردم

دل ما خوش

ز پیمانی که با بیگانه بستیم
درو دیوار دل ها را شکستیم
بود میهن به مرگِ خویش راضی
دل ما خوش که ما هم زنده هستیم

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>